



اشتراک نظر اسپینوزا و صوفیه در نفی نیاز به شریعت و مناسک دینی

استاد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، گفت: اسپینوزا و صوفیه هر دو در شریعت‌گریزی اشتراک نظر و جایگاه ریشه‌ای دارند و از جمله نمونه‌های با سابقه در طرح گوهر دین منهای شریعت در غرب و شرق هستند که این دیدگاه آنان در مخالفت با قرآن است.

استاد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، گفت: اسپینوزا و صوفیه هر دو در شریعت‌گریزی اشتراک نظر و جایگاه ریشه‌ای دارند و از جمله نمونه‌های با سابقه در طرح گوهر دین منهای شریعت در غرب و شرق هستند که این دیدگاه آنان در مخالفت با قرآن است.

ابوالفضل ساجدی به گزارش ایکننا، حجت الاسلام والمسلمین ابوالفضل ساجدی؛ استاد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، شامگاه ۱۵ اسفند ماه در نشست علمی «کرسی بررسی قرآنی رابطه گوهر و صدف دین از دیدگاه اسپینوزا و صوفیه» با بیان اینکه مراد از گوهر دین، قرب الهی و هدف نهایی دین و منظور از صدف هم شریعت و احکام است، گفت: اسپینوزا و صوفیه هر دو در شریعت‌گریزی اشتراک نظر و جایگاه ریشه‌ای دارند و از جمله نمونه‌های با سابقه در طرح گوهر دین منهای شریعت در غرب و شرق هستند؛ نگاه ما به این مسئله هم قرآنی است.

وی افزود: اسپینوزا فیلسوف هلندی با اصالت یهودی پرتغالی است که از جمله بزرگترین خردگرایان و جبرگرایان فلسفه در قرن ۱۷ و زمینه‌ساز ظهور نقد مذهبی در عصر روشنگری در قرن ۱۸ بوده است؛ البته بحث گوهر و صدف اولین بار توسط هگل مطرح شد ولی قبل از او هم اسپینوزا و دیگران مطالبی بیان کردند و صوفیه هم از قدیم مطرح بوده اند؛ البته توصف دو گروه هستند و برخی پایبندی به شریعت و بخشی هم شریعت را نفی می‌کنند و با تکیه بر آیه؛ *وَأَعِذُ رَبِّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ*، شریعت را کنار می‌گذارند.

استاد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) تصریح کرد: در مورد دیدگاه اسپینوزا، وی در کتابش گفته است بالاترین خیر برای انسان، معرفت خداوند است و مرتبه هر انسانی هم وابسته به چیزی است که آن را دوست دارد لذا می‌گوید غایت انسان رسیدن به این دو درجه معرفت و کمال است و ما از طریق علم اخلاق می‌توانیم به این درجه از کمال برسیم و قانون الهی را هم قانونی می‌داند که غرض آن رسیدن به همین معرفت و محبت باشد لذا می‌گوید اگر کسی هم و غم خودش را برای رسیدن به کمال بگذارد بدون طمع در ثواب و ترس از خدا به قانون خدا عمل کرده است و بالاترین خیر هم از منظر او تفکر و تأمل خالص است.

وی ادامه داد: پس قانون الهی از نظر وی این است که ما را به سمت معرفت و محبت خدا پیش ببرد البته می‌گوید در برابر قانون الهی یکسری قوانین تشریحی هم داریم که هدف آن ایجاد نظم در جامعه است و از آنجا که مردم غایت قوانین تشریحی را که ادیان تاسیس کرده اند، نمی‌دانند و فقط عده قلیلی آن را کشف کرده اند لذا تشریح کننده یکسری غایات دیگری را برای آن قرار داده است و پاداش و تخلف برخاسته از ذات فعل نیست.

انسان عادل از نظر اسپینوزا

ساجدی بیان کرد: از نظر وی کسانی که از ترس عقوبت به قانون عمل کنند عادل نیستند بلکه عادل کسی است که با درک ریشه حقیقی قانون و با اراده شخصی خودش، حق را به حق دار می‌دهد ولی خیلی‌ها چون از فلسفه قانون خبر ندارند فقط به خاطر ترس از جهنم و میل به بهشت یک کاری را انجام می‌دهند لذا مصداق عادل نیستند. او معتقد است که قوانین عادی جامعه از طریق وحی هم به پیامبران القاء می‌شود و منتسب به خدا هم هست ولی نباید نام آن را قانون الهی بگذاریم.

ساجدی با بیان اینکه اسپینوزا یکسری ویژگی‌ها برای این قانون برشمرده است از جمله اینکه باید فراگیر باشد و متوقف بر تصدیق روایات تاریخی نباشد بلکه باید زاده تأمل در تفکر بشر باشد، تصریح کرد: وی می‌گوید روایت تاریخی برای اغراض زندگی اجتماعی مفید هستند ولی ما را به معرفت خدا نمی‌رسانند زیرا معرفت خدا از یکسری افکار یقینی و مشترک در طبیعت همه انسان‌ها نشئت می‌گیرد. او همچنین ویژگی دیگر این قانون را مستلزم رعایت شعائر و تشریفات دینی نمی‌داند چون افعالی را که تشریفات دینی بیان می‌کنند مقصودشان ذات آن نیست بلکه نماد در آن دین است. لذا ما محتاجیم تنها خدا را به وصف خیر بودن بشناسیم لذا افعالی که فقط برای نمادبودن انجام می‌دهیم نمی‌توانند ما را به کمال برسانند بلکه سایه و مولود نفس پاک انسان نیستند.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی با بیان اینکه تنها پاداش قانون الهی، محبت و معرفت الهی است، اظهار کرد: عذاب تخلف محرومیت از معرفت و محبت الهی است؛ قانون الهی که به نظر وی طبیعی و مشترک بین همه انسان ها است از حد فهم انسان تجاوز نمی کند و چیزی را فراتر از فهم طبیعی انسان از انسان طلب نمی کند و به تعبیر وی نور فطری چیزی را که خود انسان به آن نمی رسد از انسان نمی خواهد.

فهم نادرست انبیاء از خدا در اندیشه اسپینوزا

وی افزود: او به این پرسش که آیا خدا می تواند تشریح کننده قانون بشری باشد، جواب منفی می دهد و برهان او هم این است که اراده و تصور خدا یک چیز است یعنی همین که چیزی را اراده کرد موجود می شود و دو مرحله بین اراده و تحقق آن وجود ندارد؛ او نتیجه گرفته است که تمام انبیاء که از قوانین خدا، قانون تشریحی فهمیده اند به این دلیل است که خدا را به عنوان یک حقیقت ازلی درک نکرده اند؛ او می گوید افعال خداوند نتیجه ضروری ذات و کمال اوست و اوامر خدا هم حقایق ازلی هستند لذا توصیف خدا به عنوان تشریح کننده، حاکم، عادل و ... غلط است.

ساجدی با اشاره به دیدگاه صوفیه در این زمینه، گفت: گروهی از اهل تصوف از قدیم شهرت به عدم پایبندی به شریعت دارند گرچه بیشتر آنان پایبند هستند؛ استناد این گروه هم همان آیه «واعبد ربک حتی یاتیک الیقین» است یعنی یقین، لقاءالله و مقام وصل است و در این مقام، انسان نیازمند شریعت نیست. از دید این افراد میان شریعت، طریقت و حقیقت وحدت تشکیکی وجود دارد و ما اگر به حقیقت رسیدیم، شریعت جایی برای عمل ندارد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) با بیان اینکه اسپینوزا اعتراف دارد که در ادیان الهی قوانین تشریحی وجود دارند ولی جعلی هستند و اینها به دلیل برداشت اشتباه پیامبران در دریافت وحی بوده است، گفت: پیامبران چون قصد داشتند در جامعه نظم برپا کنند این قوانین را تشریح کردند ولی اینها ربطی به خدا ندارد؛ از دید اسپینوزا یک مانع عقلانی در پذیرش قوانین تشریحی وجود دارد که البته اشکالات زیادی بر این مطلب وجود دارد از جمله اینکه او نتوانسته است بین اراده تکوینی و تشریحی خدا تفکیک کند و خواست خدا را مساوی اراده تکوینی تلقی کرده است.

خلط بین اراده تکوینی و تشریحی خدا

وی افزود: از نظر قرآن، خداوند هم اراده تکوینی و هم اراده تشریحی دارد و اگرچه اراده خدا تخلف ناپذیر است ولی نتیجه آن این نیست که ما اراده تشریحی خدا را نادیده بگیریم؛ از نگاه اینجانب، وی در برداشت از وحی دچار خطا شده است؛ یعنی پیامبران در عین اینکه تخلف ناپذیری اراده خدا را مورد تاکید قرار داده اند در عین حال از نوع دیگری از خواستن در خدا هم سخن گفته اند یعنی اگر خدا چیزی را خواست و اراده کرد درست است ولی پیامبران از دو نوع خواست برای خدا خبر داده اند؛ خواستن اول «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» و خواستن دوم محبت الهی است؛ «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُجِبُّ الْفَسَادَ» یا «إِنَّ اللَّهَ يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

ساجدی افزود: پس ممکن است خدا کاری را دوست داشته باشد و این کار از مردم هم سر بزند یا قرآن فرموده است: الا من ظلم؛ خدا افشای بدی های دیگران را دوست ندارد مگر کسی که مورد ظلم قرار گرفته است. خداوند می خواهد مردم از روی اراده و اختیار کاری را انجام دهند لذا فرموده است من فلان کار را دوست دارم و از فلان چیز تنفر دارم لذا اجباری در تکوین وجود ندارد لذا خلط بین اراده تکوینی و تشریحی از سوی اسپینوزا خطایی راهبردی است.

وی افزود: براساس آیه: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» در سوره یس، برخی افراد که از انفاق به فقرا گریزان بوده اند گفته اند اگر خدا می خواست به آنها روزی می داد و چرا ما باید به آنان طعام دهیم؛ در واقع این ثروتمندان هم اشتباه اسپینوزا را داشته و بین اراده تکوینی و تشریحی خدا فرق قائل نشده اند در حالی که میدان آزمایش ما همین اختیار است.

حسن فعلی و فاعلی

ساجدی تصریح کرد: گوهر دین یک امر ذومراتب است که التزام قلبی به خواست خدا و تقدم خواست خدا بر خود در درجات مختلف است که هر قدر هم جلو برود ظرفیت آن وجود دارد یعنی انسان می تواند آنقدر در خواست خدا فرو رود که فانی در آن

شود و این همان گوهر دین است. جالب اینکه اسپینوزا هم محبت خدا را گوهر دین می داند البته او تشریفات دینی را منکر شده و آن را نماد می داند و نماد را ضامن دستیابی به معرفت انسان نمی داند.

وی افزود: این سخن اسپینوزا درست نیست زیرا از نظر قرآن، این اعمال دو ساحت دارد یعنی حسن فعلی و حسن فاعلی و خود اعمال و نمادهای شریعت و مناسک دینی حقیقتاً انسان را متحول می کنند؛ الان ما اگر بخواهیم قرب الهی پیدا کنیم نیازمند مدیریت رفتاری هستیم لذا افعال به مدیریت نفس و رسیدن ما به قرب کمک می کنند.

استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه اسپینوزا می گوید معرفت و محبت خدا، گوهر دین است و این حرف درستی است ولی این معرفت از چه طریقی به دست می آید آیا جز با نیت و انجام یکسری اعمال و افعال؟ اینکه بدانیم خدا چیزی را دوست دارد و انجام دهیم نشانه روحیه عبودیت و تسلیم است لذا قوانین تشریحی موضوع ساز برای قوانین الهی کامل هستند یعنی اگر خدا شکل خاصی از عبادت را دوست دارد و آن خیر اعلی است پس باید آن را انجام دهیم.